

گسترش و تبلیغ اسلام با حضرت پیغمبر (ص) بست، عفت خانم همسر بزرگوار آیت الله هاشمی نیز همه ثروت خود را برای مبارزه و انقلاب در اختیار این روحانی مبارز و انقلابی قرار داد.

ثروت عفت خانم مرعشی شخصی و خانوادگی بود؟

ثروت سرکار خانم عفت مرعشی، شخصی و ناشی از ارث بود که به آیت الله هاشمی واگذار کرد. خانواده آیت الله مرعشی در قم شهرت زیادی داشت و از جمله مراجع بود، یا اخوان مرعشی در مشهد معروف هستند که هم از علما بودند و هم از ثروتمندان. بنابراین، بر خور داری این خانواده از ثروت، مسأله عجیبی نبود. همان طور که گفتیم، مرعشی ها جزو طوایف ریشه دار، ثروتمند و سادات ایران بودند که هم در حکومت ریشه دار بودند و هم در ثروت و هم نفوذ منطقه ای دارند.

منبع دیگر در آمدهای آیت الله هاشمی چه بود؟

پس از واگذاری این ثروت به آیت الله هاشمی، ایشان با نبوغ و ویژه ای که داشت، توانست از این ثروت، ارزش افزود و ثروت بیشتری تولید کند، به عبارت دیگر، ایشان با این ثروت، کار آفرینی کرد.

کار آفرینی در چه حوزه ای؟

بخشی در فعالیت گسترده در زمینه کشاورزی بود که در کرمان و قم صورت می گرفت. غیر از این، آیت الله هاشمی رفسنجانی، پیش از انقلاب، همراه با بسیاری از مبارزان مذهبی، شرکت هایی تأسیس کرده بودند. از جمله این شرکت ها، «البرز» بود که مرحوم بازرگان و معین فر، از سهامداران آن بودند. این شرکت عمدتاً در ساخت و ساز فعال بود و عمده زمین های سالاریه قم را خریداری کرده بود. در همان هنگام آیت الله هاشمی از درآمد این زمین ها و سرمایه های ایجاد شده روی آنها، به مبارزان و انقلابیون و خانواده آنان کمک می کرد.

این چهره های سیاسی، منظور آیت الله هاشمی و مهندس بازرگان و معین فر، چگونه یکدیگر را پیدا کرده بودند و باهم فعالیت اقتصادی باهمان هدفی که پیشتر اشاره کردید، می کردند؟ و آیا پس از انقلاب هم این فعالیت ادامه یافت؟

بله این شخصیت ها در جریان مبارزات، باهم آشنا شده بودند. پس از انقلاب نیز بخشی از زمین های سالاریه قم، به عنوان ملک شخصی آیت الله هاشمی باقی مانده بود که ایشان این زمین ها را به صورت رایگان به تعداد زیادی از خانواده های سرداران شهید دفاع مقدس اهدا کردند. تا دوسه سال بعد از انقلاب، همه زمین های سالاریه قم در راه انقلاب و نظام صرف شد و چیزی از آن باقی نماند. در اینجا بد نیست از خاطره ای یاد کنم. حسب اتفاق روزگار، در سال های ۵۸ تا ۵۹ من حاکم شرع هیأت واگذاری زمین در قم بودم. در این هیأت متوجه شدیم که آیت الله هاشمی رفسنجانی در قم باغ پیسته دارند. دایر کردن باغ پیسته در قم، یکی از ابتکارات ایشان، با کمک مرحوم آقای نولیت، بود که کشاورزی در زمینه تولید پیسته را در قم تجربه کردند و متوجه شدند که زمین های قم برای کاشت این محصول، بسیار مستعد است.

آیت الله هاشمی نخستین کسی بود که فعالیت در زمینه کشت این محصول را در قم تجربه کرد؟

نخستین یا دومین نفر، اما وسیع ترین باغ پیسته در قم متعلق به ایشان بود. وسعت این باغ حدود ۳۰ تا ۴۰ هکتار بود و ۵ یا ۶ نفر در آن کار می کردند. در هیأت هفت نفره واگذاری زمین در قم، کمونیست ها نیز حضور داشتند که تأکید داشتند باید باغ آشیخ اکبر به کشاورزان واگذار شود. هنگام بازدید از باغ، متوجه شدیم که هنوز به ثمر ننشسته است. به دبیر هیأت گفتیم که پیش از واگذاری، باید خدمت آیت الله هاشمی برویم و خبر را به ایشان بدیم. به هر حال ایشان عضو ارشد شورای انقلاب است. من ترتم، خودشان رفتند. پس از بازگشت، گفتند که ما خدمت حاج آقا رفیقیم، او گفت اگر شما بتوانید کشاورزان شاغل در این باغ را راضی کنید که زمین ها را در اختیار بگیرند، سیاستگزار شما خواهیم شد. ما در هیأت شاید ابتدا متوجه نشدیم که مقصود آیت الله از این صحبت چیست و خوشحال شدیم که ایشان اجازه واگذاری این زمین ها به کشاورزان را داد. به باغ های مورد اشاره رفتیم و به کشاورزان گفتیم که می خواهیم این زمین ها را به شما واگذار کنیم. یکی از آنان که ارشد کشاورزان بود، عصبانی شد و گفت «می خواهید زمین های آشیخ اکبر را بگیرید؟ ما زمین او را بگیریم؟ افتخار ما این است که رعیت آشیخ اکبر باشیم. ما این زمین ها را نمی خواهیم. این آشیخ اکبر است که به ما حقوق می دهد و در کنار آنان پول و هزینه کشاورزی را هم تأمین می کند و در مقابل هیچ چیزی از ما دریافت نمی کند.» همین جا بود که متوجه شدیم، چرا آیت الله هاشمی می گفت کشاورزان را راضی کنید تا زمین ها را بگیرند. معلوم شد که قبلاً از آنان خواسته بود، اما آنان قبول نکرده بودند.

کشاورزان گفتند که آیت الله هاشمی پیشنهاد اهدای زمین را به آنان داده بود یا از جای دیگری شنیدید؟

از جای دیگری شنیدیم، اما متوجه شدیم که هدف آیت الله، تنها راه اندازی باغ و احیای زمین ها بود و اساساً در نظر داشت که پس از به بار نشستن، آن را به کشاورزان واگذار کند.

اشاره کردید که ثروت آیت الله هاشمی از دو منبع بود و همه صرف مبارزه می شد؟

با اینکه آیت الله هاشمی رفسنجانی به صورت تمام وقت در حال مبارزه و در مسیر انقلاب بودند، اما این دو منبع را به جریان انداختند. البته بخشی از کارهای اقتصادی خود را نیز با کمک دوستان شان انجام می دادند که به بخشی از آن اشاره کردم. پس، آیت الله هاشمی هم مبارزه می کرد، هم مبارزان را هدایت می کرد و هم از مبارزان حمایت مالی می کرد. یکی از ایرادهایی که خناسان به ایشان می گرفتند این بود که آیت الله هاشمی به همه کمک می کردند.

مرحوم آیت الله هاشمی رفسنجانی بجز فعالیت در زمینه کشاورزی و ساخت و ساز، که فرمودید اساساً باهدف کمک به مبارزان و خانواده های آنان، انجام می شد، فعالیت اقتصادی دیگری هم داشتند؟

بعید می دانم. ساخت و ساز درآمد زیادی دارد. سرعت گرفتن زندگی شهری بویژه در سال های آخر حکومت شاه، به همراه پولدار شدن حکومت، سبب شده بود که ساخت و ساز، فعالیت اقتصادی پولساز و پرسود و پر درآمدی باشد.

با توجه به مشغله زیادی که آیت الله داشتند، یا مسائل مبارزه و زندان، این فعالیت های اقتصادی را چگونه مدیریت می کردند؟

لازم نبود که همه کارها با حضور و مدیریت خودشان انجام شود. گاهی کارها و مسئولیت ها را به دیگران می سپردند. مثلاً در همان شرکت البرز، افراد حاضر در آن، اغلب مهندس و تحصیلکرده بودند که در همان دوران، کارهای بزرگی را انجام داده بودند و برخی نیز در بعد از انقلاب به وزارت رسیدند. از جمله آقای مهندس معین فر که پیش از انقلاب، ساختمان ساواک را ساخت که پس از انقلاب نیز وزیر نفت شد. بنابراین، این شرکت، هم کار واقعی می کرد و هم پوشش بود؛ پوششی برای نشست ها و گعده های مبارزان و هم اینکه پشتوانه مالی نهضت بود. آیت الله هاشمی رفسنجانی، پشتوانه مالی بسیاری از طلاب بود و پس از آن، به غیر طلاب به گروه ها و سازمان های مختلف مبارز سیاسی نیز کمک می کرد.



این نکته مهمی است که یک روحانی، آن هم در آن دوره زمانی، با چنین گستردگی به کار اقتصادی روی بیاورد، آن هم با اعضای نهضت آزادی. زیرا نه تنها روحانیت از کار اقتصادی پررئز داشت، بلکه چهره های چون آیت الله هاشمی تفاوت های فکری نیز با اعضای نهضت آزادی داشتند. این دو چگونه قابل جمع است؟

مبارزان و فعالان سیاسی، اگر می توانستند حتماً کار اقتصادی می کردند تا هم بتوانند زندگی خود را بچرخانند و هم مبارزان دیگر را حمایت و هدایت کنند. این دو غیر قابل تفکیک است. پیش از انقلاب، اکثر مبارزانی که می شناختم، مستقیم یا غیرمستقیم کار اقتصادی می کردند. زیرا می دانستند که کار سیاسی و مبارزه هزینه دار و با یک شهریه طلبگی نمی شود با شاه و نظام سلطنت، مبارزه کرد یا زندگی خود و دیگران را اداره کرد. بویژه اینکه منابع مالی مبارزان قطع می شد و در این شرایط مبارز حرفه ای ناچار بود منابع مالی خود و دیگران را جدای از حکومت تعریف کند. آیت الله هاشمی به جهت ثروت خانوادگی خود، به شخصه نه تنها مشکلی برای تأمین هزینه های خود نداشت بلکه سرمایه زیادی هم داشت، اما در همان دوره زندان، به خانواده های مبارزان و انقلابیون

کمک می کرد. به عبارت دیگر، خودشان در زندان بودند، اما سود حاصل از فعالیت شرکت هایی که در آن سهمی داشتند، در خدمت انقلابیون بود. طلبه ها و به طور کلی کسانی که در قم بودند، کاملاً حس می کردند که نقش کمک های مالی آیت الله هاشمی چقدر مؤثر است. ضمن اینکه کمک به یک انقلابی خود یک جرم سنگین بود، یک جهاد در راه خدا بود. خداوند در قرآن بعد از جهاد بانفس، به جهاد با مال اشاره می کند. بنابراین، می توان این را برای آیت الله هاشمی هم مصداق دانست که هم خود مبارزه می کرد، یعنی جهاد به نفس و هم با مال خود جهاد می کرد، یعنی هم خودش مبارزه سیاسی می کرد و هم مالش را در این مسیر هزینه کرده بود.

بخشی از سؤال بی پاسخ ماند؛ اینکه چه عواملی باعث شد که آیت الله هاشمی و برخی اعضای نهضت آزادی به صورت مشترک کار اقتصادی انجام دهند، هر چند اشاره کردید که یک دغدغه مهم انقلابیون تأمین مالی بود، اما کنار هم قرار گرفتن این شخصیت ها، شاید با دواندیشه متفاوت، نکته مهمی است. بیشتر در این باره توضیح می دهید؟

یک مبارز انقلابی اهداف مختلفی را دنبال می کند که در رأس همه آنها مسائل اقتصادی است. باید این نکته را در نظر داشت که پیش از انقلاب، مهم ترین مسأله و مشکل ما، دغدغه های اقتصادی بود. در مقابل مبارزان مسلمان، کمونیست هایی بودند که اصلی ترین شعارشان حل مشکلات اقتصادی بود. ماضمن مخالفت با کمونیست ها، مدعی بودیم که نظام اقتصادی مارکسیستی را قبول نداریم، بلکه با تکیه بر نظام اقتصادی اسلام و غیر دولتی، می توانیم فقر

پیش از انقلاب، اکثر مبارزانی که می شناختم، مستقیم یا غیرمستقیم کار اقتصادی می کردند. زیرا می دانستند که کار سیاسی و مبارزه هزینه دارد. آیت الله هاشمی به جهت ثروت خانوادگی خود، به شخصه نه تنها مشکلی برای تأمین هزینه های خود نداشت بلکه سرمایه زیادی هم داشت، اما در همان دوره زندان، به خانواده های مبارزان و انقلابیون کمک می کرد

بیبکاری را حل کنیم. از این رویک انقلابی و مبارز حرفه ای همچون آیت الله هاشمی این واقعیت را به خوبی درک می کرد که دستیابی به اهداف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بدون ورود به مسائل اقتصادی ممکن نیست و غیر از این باشد، حل مشکلات اقتصادی چیزی در حد یک شعار است. یک مبارز حرفه ای با ورود به فعالیت های اقتصادی چند هدف دارد؛ واقعیت بازار را درک کند، رقابت های اقتصادی را بفهمد، مشکلات بازار و سیاست را تجربه کند و با تکیه بر این تجارب، بتواند مشکلات مالی خود و جامعه را حل کند. آیت الله هاشمی، همه جریان های مبارز آن زمان، همچون نهضت آزادی، مجاهدین خلق و حتی کمونیست ها را مورد توجه قرار می داد و آنان نیز حتی در آن موقع بیشتر از هر شخصیت دیگری روی آیت الله هاشمی حساس بودند. ساواک هم بیشتر از همه روی ایشان حساس بود. چون هم آن گروه ها و هم ساواک، می دیدند که آیت الله هاشمی در همه ابعاد و زمینه های مبارزه حضور دارد. وقتی هاشمی درس می خواند، یک آیت الله حرفه ای و مجتهد بود، در بازار، یک اقتصاددان، وقتی هم که به مسائل تاریخی و سیاسی توجه می کند، امیر کبیر را مطرح می کند، وقتی زندگی می شود، مانند یک جوان پیرانری مقاومت می کند و همه شکنجه ها را تحمل می کند. بنابراین، آیت الله هاشمی در همه ابعاد در رتبه نخست قرار داشت. در بحبوحه انقلاب، نخستین مأموریتی که امام خمینی به آیت الله هاشمی می دهد، مدیریت اعتصاب شرکت نفت به نفع مردم و انقلاب است. به این دلیل این مأموریت به هاشمی داده شد که آیت الله می فهمد نفت چیست؟ نفتی ها هم می فهمند هاشمی کیست؟ هر انقلابی متوجه این امر نبود، این هاشمی بود که این مأموریت را به عهده گرفت و موفق هم شد. بنابراین، متوجه می شویم که هاشمی در نگاه امام، فقط یک روحانی از قم آمده نیست. بسیاری دیگر هم